

آینده پژوهی جایگاه ارزش های شهر اسلامی - ایرانی در بافت های تاریخی با رویکرد تحلیل ساختاری و سناریونگاری (مطالعه موردی: بافت تاریخی تبریز)^۱

معصومه آیشم*، مرتضی میرغلامی**، احد نژاد ابراهیمی***

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۷/۱۰

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۱۱/۱۹

چکیده

ارزش و شناخت ارزش ها از موضوعات تاثیرگذاری بوده که در حوزه های مختلف دانشی ورود کرده و تحولات بسیاری را به ارمغان آورده است. حوزه مطالعات شهری و شهرسازی نیز از این قاعده مستثنی نبوده و بحث ارزش های شهری در مداخلات شهر خاصه بافت های مرکزی و تاریخی شهرها را وارد نموده است. در پژوهش حاضر هدف بررسی جایگاه آینده پژوهی ارزش های شهر اسلامی-ایرانی با رویکرد تحلیل ساختاری و سناریو نویسی می باشد. روش پژوهش، تحلیلی-توصیفی با بهره گیری از مطالعه کتابخانه ای و اسنادی، تکنیک دلفی (پرسشنامه)، تکنیک تحلیل ساختاری و سناریونگاری است. از این روی با بهره گیری از نظریه ادراکات اعتباری علامه طباطبایی به ارائه مبانی شناخت شهر و استنتاج ارزش های شهر اسلامی-ایرانی پرداخته شد و هشت محوریت ارزشی تبیین گردید. در ادامه با بهره گیری از تکنیک تحلیل ساختاری جنس تاثیرگذاری و تاثیرپذیری ارزش ها در آینده شهر مشخص گردید. سپس در قالب سناریو های چهارگانه شهری آینده ارزش های شهر اسلامی-ایرانی واکاوی شد. جهت گیری سناریوی وضع موجود در بافت تاریخی تبریز، به سمت سناریوی بدبینانه، از نکات مهم در سناریونگاری است که لزوم بازنگری جدی در سیاست های مداخله شهری و بافت های تاریخی را نشان می دهد. بی توجهی به ارزش های شهری در پروژه شهر، و پافشاری بر رویکردهای روتین قبل، آسیب ها و لطمات جبران ناپذیری را بر تن بافت تاریخی شهر تبریز وارد می نماید. شناسایی دقیق و توجه ویژه به ارزش های شهر اسلامی-ایرانی و رویکرد های ارزش مبنای، منجر به تحول در نوع نگرش سیستم مدیریت شهری می شود و این نگاه آگاهانه بستری مطلوب در جهت تعالی شهر و انسان فراهم می آورد.

واژگان کلیدی

ارزش، شهر ایرانی-اسلامی، نظریه ادراکات اعتباری، تحلیل ساختاری، سناریونگاری..

۱- این مقاله برگرفته از رساله دکتری نگارنده اول با عنوان «ارزش های شهر ایرانی- اسلامی و کلان روندها با تاکید بر مولفه های فضایی - کالبدی؛ نمونه موردی: بافت تاریخی تبریز» به راهنمایی نگارنده دوم و سوم در دانشگاه هنر اسلامی تبریز، دانشکده مهندسی معماری و شهرسازی است.
* دکتری شهرسازی اسلامی و مدرس شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، ایران (نویسنده مسئول)

m.ayashm@tabriziau.ac.ir

m.mirgholami@tabriziau.ac.ir

ahadebrahimi@tabriziau.ac.ir

** دانشیار طراحی شهری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران

*** استاد معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران

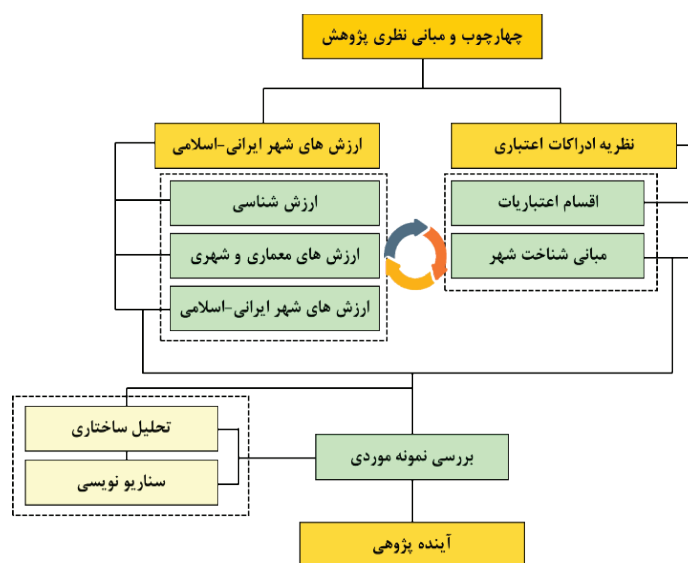
مقدمه

شهرهای ایرانی - اسلامی واجد ویژگی‌ها و خصوصیات می‌باشد و در طی زمان و در قالب مذهب، اعتقادات، ارزش‌ها و فرهنگ اسلامی شکل گرفته‌اند. این شهرها دارای یکسری ملاحظات و خصیصه‌های درونی بوده که بستری در جهت گسترش و پیشرفت آتی شهری را فراهم می‌کند. امروزه این ویژگی‌ها و خصوصیات در قالب ارزش‌های شهر ایرانی - اسلامی شناخته می‌شود. ارزش از واژه‌های مبهم و پیچیده‌ای است که از گذشته همواره ذهن فیلسوفان و محققین مختلف را به خود مشغول داشته است. واژه ارزش و ارزش‌شناسی در حوزه‌های گوناگونی مطرح گردیده است و به تبع آن در هر حوزه تعریفی مشخص و خاص آن ارائه گردیده است و این تعاریف ناشی از نیاز هر حوزه و ضرورت پژوهش انجام گرفته می‌باشد. یکی از حوزه‌های مهمی که مفهوم ارزش در آن وارد شده است حوزه مطالعات شهری و معماری می‌باشد.

ارزش در حوزه معماری و شهرسازی نمودهای مختلفی را به خود اختصاص داده است و یکی از مهمترین گونه‌های آن ارزش‌های شهری است. در پژوهش حاضر با نگرش و چهارچوبی متفاوت به موضوع ارزش، از باب آینده پژوهی وارد شده و هدف آن بررسی و واکاوی جایگاه آینده‌پژوهی ارزش‌های شهر اسلامی - ایرانی در بافت‌های تاریخی شهرها می‌باشد. حوزه مطالعه ارزش شهر ایرانی - اسلامی موضوعی است که در دهه اخیر پژوهش‌ها و مطالعاتی در باب آن صورت گرفته و نتایج گسترده‌ای را در بر گرفته است. در این پژوهش‌ها با توجه به مطالعات تاریخی - تفسیری، آیات قرآن و احادیث معتبر و سایر منابع موجود به بررسی ارزش‌های شهر ایرانی - اسلامی پرداخته شده و گونه‌های متنوعی از شهر ایرانی - اسلامی و ویژگی‌های منتسب به آن ارائه شده است. اما توجه به زمینه و فرهنگ موضوعی است که در استنتاج ارزش‌های شهر ایرانی - اسلامی مهجور واقع شده است. از همین روی، پژوهش حاضر بر آن است تا با بهره‌گیری از نظریه ادراکات اعتباری ارزش‌های شهر ایرانی - اسلامی را استنتاج کند. نظریه ادراکات اعتباری را می‌توان برخاسته از زمینه و فرهنگ ایرانی - اسلامی عنوان نمود که مسیری درست و چهارچوبی بومی را در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهد. در همین راستا در ابتدا به بررسی موضوع و نظریه ادراکات اعتباری پرداخته شده و با تبیین دقیق مبانی و مصادیق مطالعه شهری، ارزش‌های شهر اسلامی - ایرانی استنتاج شده است. در ادامه، نمونه موردی پژوهش بافت تاریخی شهر تبریز محدوده حصار نجف قلی خانی بررسی شده و با بهره‌گیری از تحلیل ساختاری و تبیین گونه ارزش‌های مستخرج شده، سناریوهای چهارگانه شهری تبیین شده است. سناریوهای چهارگانه شهری در قالب سناریو آرمان شهری، سناریو پادآرمان شهری، سناریو بهبود وضعیت و سناریو ادامه وضع موجود است. روش پژوهش، تحلیلی - توصیفی با بهره‌گیری از مطالعه کتابخانه‌ای و اسنادی، تکنیک دلفی (پرسشنامه)، تکنیک تحلیل ساختاری و سناریونگاری است. در ادامه مطالب پژوهش به تفکیک و تفصیل آورده شده است.

روش تحقیق

بررسی مطالعات مختلف در رابطه با روش تحقیق، رویکردها، دیدگاه‌ها و روش‌های مختلفی را پیش رو قرار می‌دهد که متناسب با اهداف، سؤالات و فرضیه‌های هر پژوهشی نظام یافته است؛ اما باوجود تفاوت‌های موجود می‌توان به شباهت‌های زیادی نیز دراین رابطه اشاره داشت. عندلیب (۱۳۹۰) تحقیق را روندی رسمی و منظم که با طی مراحل برای کاوش در مباحث علمی جهت کشف یک حقیقت مجهول صورت می‌گیرد تعریف می‌کند. گروت و وانگ (۱۳۸۴) تحقیق را جستجوی سامان یافته با هدف تولید دانش می‌دانند. به طور کلی، روش پژوهش به دو شکل کمی و کیفی تقسیم می‌شوند و برخی مطالعات نیز به صورت ترکیبی به بهره‌گیری توأمان از هر دو شیوه روی آورده‌اند؛ که پژوهش حاضر نیز به صورت کیفی - کمی (ترکیبی) به شناخت ارزش‌های شهر ایرانی - اسلامی از منظر نظریه ادراکات اعتباری، در راستای آینده پژوهی جایگاه ارزش‌ها در شهر معاصر پرداخته است. با توجه به هدف، روش تحقیق، توصیفی - تحلیلی و رویکرد استدلال منطقی (فرهنگی - گفتمانی) و رویکرد تحلیل ساختاری به صورت توأمان، با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی و پرسشنامه در جهت استفاده از تکنیک تحلیل ساختاری و سناریونویسی می‌باشد. در بخش تحلیل ساختاری نمونه موردی (بافت تاریخی شهر تبریز)، پیش از ارائه سناریوهای چهارگانه شهری، ماتریس متقاطع تاثیرات (تاثیرگذاری و تاثیرپذیری) می‌بایست تشکیل شود. از این روی، پرسشنامه‌ای تدوین و در میان پانزده (۱۵) نفر از متخصصین توزیع شد. در این پرسشنامه از متخصصین خواسته می‌شود تا جدول متقاطع ارسالی را در راستای تاثیرگذاری و تاثیرپذیری ارزش‌ها بر هم در بافت تاریخی شهر تبریز در بازه (۳-۰) امتیاز دهند. پاسخ‌های جمع‌آوری شده در نرم‌افزار تحلیل ساختاری میک مک وارد خواهد شد. پس از ارائه تحلیلی‌های ساختاری و تعیین جنس هر ارزش در خصوص تاثیرگذاری و تاثیرپذیری در بافت تاریخی شهر تبریز، سناریوهای شهری نگاشته شد. فرآیند پژوهش در قالب تصویر زیر ارائه شده است.

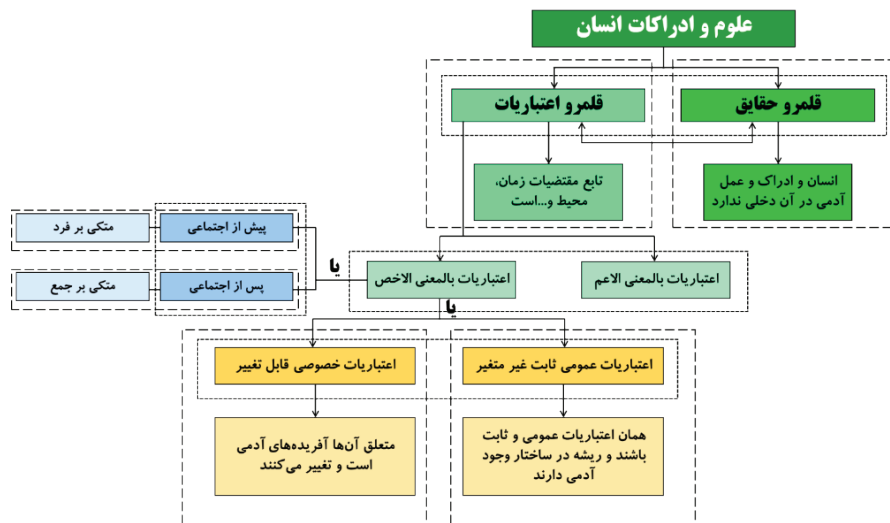


شکل ۱- فرآیند و مسیر پژوهش، مأخذ: نگارندگان.

چهارچوب و مبانی نظری پژوهش

نظریه ادراکات اعتباری: نظریه ادراکات اعتباری مطابق نظر استاد مطهری از ابتکارات علامه طباطبایی بود. نظریه ادراکات اعتباری استعداد و قابلیت به کارگیری در حوزه های دانشی گوناگون را دارد؛ اما تاکنون بیشتر از دیدگاه فلسفه اخلاقی و دانش اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است (یزدانی مقدم ۱۳۸۵، ۱۶)؛ این نظریه با نظر فلاسفه غربی چون هیوم تاحدی شبیه می باشد (سروش، ۱۳۵۸: ۲۵۷). این نظریه توضیح می دهد که آدمیان در هنگام برقرار نمودن ارتباط عملی با محیط خارج از خود با تکیه به اندیشه های خاصی عمل می نمایند که آنها بر اساس نیاز درونی خود و واقعیت های بیرونی تنظیم می گردند. این اندیشه ها که ایشان آنها را ادراکات اعتباری نام می نهند، در هرگونه رفتار فردی و اجتماعی آدمی حضور دارند (کمالی و اکبریان ۱۳۹۴، ۱۰۰). نظریه ادراکات اعتباری علامه طباطبایی را می توان از دو وجه بررسی کرد. از وجه نخست، این موضوع اصلا و اساسا در حوزه معرفت شناسی است و باید آن را به عنوان نظریه ای جدید، تنها در این حوزه بررسی کرد؛ اما از وجهی دیگر، موضوعی مربوط به انسان و فرهنگ و مبنایی برای تأمل است (مصلح، ۱۳۹۲: ۲۳)

علامه به طور کلی دو قلمرو را به رسمیت می شناسد، یکی «قلمرو حقایق» که انسان، ادراک و عمل آدمی در آن داخل نیست و دیگری «قلمرو اعتباریات» که تابع اقلیم و محیط و زمینه و ... است. علامه طباطبایی معتقد است انسان یا هر جانور زنده، میان خود (قوای فعاله) و میان حرکات حقیقی و خواص و افعال اختیاری خود اجمالاً یک سلسله ادراکات و علوم را ساخته و توسط می نماید (طباطبایی، ۱۳۶۸: ۱۳۸). علامه در ادامه نیز اعتباریات را در دو دسته قرار می دهد: اعتباریات بالمعنی الاعم و اعتباریات بالمعنی الاخص. وی اعتباریات بالمعنی الاخص (اعتباریات عملی) را نیز در دو بخش مشتمل بر: اعتبارات عمومی (ثابت غیر متغیر مانند اعتبار متابعت علم و اعتبار اجتماع و اختصاص) و اعتباریات خصوصی (قابل تغییر مانند زشت و زیبایی های خصوصی و اشکال گوناگون اجتماعات) جای می دهد (طباطبایی، ۱۳۶۸: ۱۳۹). اعتباریات عمومی ناظر به فرد است یعنی شخص، قبل از تشکیل جامعه یک دسته از اعتباریات را خلق می کند و افعالی را بر اساس آنها انجام می دهد (افشار کرمانی و قوانلو ۱۳۸۹، ۱۰۷). اعتباریات عملی در نوع دیگری از طبقه بندی به دو طبقه و گونه پیش از اجتماع و بعد از اجتماع تقسیم می شوند که شامل: اصل ضرورت و وجوب، حسن و قبح، اخف و اسهل، اصل استخدام و اجتماع، اصل متابعت علم می باشد (طباطبائی ج ۲، ۱۳۳۵، ۲۰۲-۲۱۶). که اصل استخدام و اجتماع مهم ترین قسم تلقی می شود. مالکیت و ملک، کلام-سخن، ریاست و امر و نهی از اقسام بعد از اجتماع است و علامه بیشترین نوآوری را در ذیل ملک و ریاست طرح می کند. در شکل ۲ دسته بندی مربوط به ادراکات انسان از منظر دیدگاه علامه طباطبایی آورده شده است.



شکل ۲ - علوم و ادراکات انسان از منظر دیدگاه علامه طباطبایی، مأخذ: آیشم و همکاران، ۱۴۰۰: ۵۵.

در جدول زیر می توان اقسام این اعتباریات را به تفکیک مشاهده نمود.

جدول ۱- اقسام اعتباریات عمومی از منظر نظریه ادراکات اعتباری علامه طباطبایی، مأخذ: نگارندگان، مأخذ پایه: (طباطبایی، ۱۳۷۵: ۱۷۳)؛ (طباطبایی، ۱۳۵۰: ۴۳۲)؛ (طباطبایی، بی تا: ۳۳۳-۳۳۴)؛ (طباطبایی، ۱۳۶۸)؛ (پورحسن، ۱۳۹۲)؛ (هاشمی، ۱۳۸۷)؛ (میرغلامی و میثاقی، ۱۳۹۹: ۱۵)؛

توضیحات	اقسام	
به تفسیر علامه، انسان برای برقراری ارتباط با جهان و محیط پیرامون در ذهن خود نسبت وجوب و ضرورت را ایجاد و تعیین می کند.	وجوب	اعتبارات پیش از اجتماع
این اصل جز امور اعتباری بوده و براساس زمینه و زمان امکان تغییر در آن وجود دارد. به عنوان مثال امکان دارد امری که قبیح و زشت تلقی می شود در زمینه و زمانی دیگر خوبی شمرده شود.	اصل حُسن و قُبُح	
قوای فعاله در صورت مواجه شدن با دو فعلی که از جهت نوع مشابه اما از جهت صرف قوه و انرژی مختلف باشند به نحوی که یکی دشوار و پرنرغ و دیگری آسان باشد ناچار قوه فعاله به سوی آسان تمایل پیدا می کند. تاثیر این اصل را هم در سایر اعتباریات فردی و جمعی و هم بر عادات و رسوم و زبان و لغات می توان دید.	اصل اخف و اسهل	
این اصل بنیادی ترین اصل در میان اقسام اعتباریات است. ساده ترین تعریف از این اصل را می توان به این صورت عنوان نمود که: انسان از دیگر موجودات جهان در جهت رفع نیازهای خود و حفظ بقا بهره می برد.	اصل استخدام و اجتماع	
منظور از این قسم از اعتباریات پیش از اجتماع، وجود هدف و آرمان برای هر عمل است. به عبارتی انسان در اعمال و واکنش های خود آرمان و هدفی مشخص را دنبال می کند.	فایده و غایت در عمل	
هر اعتبار در بسترهای مختلف زمانی احتمال تغییر دارد. به عبارتی دیگر تغییر اعتبار خود یک اعتبار عمومی است.	اعتبار عمومی تغییر اعتبار	اعتبارات بعد از اجتماع
این اصل همان اصل اختصاص است. هنگامی که این نسبت اعتباری اختصاص به عین چیزی تعلق گیرد در اصطلاح آن را مالکیت و هنگامی که به فایده و بهره ای که از چیزی برده می شود تعلق گیرد، در اصطلاح آن را حق می نامند.	اصل ملک	
از محسوسات آغاز می شود و با توسعه ای اجتماع پیچیدگی آن تزیید می یابد.	کلام- سخن	
آدمی دریافته است در جمعی که هر یک خواسته هایی داشته که برای دستیابی به آنها، جمع شدن کنار یکدیگر و همسو کردن نیروها و فعالیت ها را اعتبار نموده اند، می بایست همانگونه هماهنگی برقرار کرد. به عبارتی دیگر می توان گفت این اصل اشاره به توسعه وجود و مقام خود و گروه و یا جمع را جز خود نمودن، دارد.	ریاست و مرئوسیت	

امر و نهی	امر و خواستن کاری از دیگری چنان که با تامل بدست می آید. این قسم در ارتباط نزدیک با اصل ریاست و مرئوسیت قرار گرفته است. در نتیجه باید گفت که در مورد امر، شخص آمر مامور را جزء وجود خود و به منزله عضو فعال خود قرار می دهد پس نسبت میان مامور و میان فعل نسبت وجوب (باید) می باشد.
اعتبارات در مورد تساوی طرفین	در جایی که رابطه ریاست و مرئوسیت میان افراد نباشد (مانند خریدار و فروشنده و مالک و مستأجر و ...) اعتبارات متساوی الطرفین مورد توجه قرار می گیرند. اقسام مبادله های تجاری و غیرتجاری و ارتباطات و حقوق متعادل اجتماعی (حق همسایگی، حقوق بهره برداری از امکانات اجتماعی و...) از این گروه اعتبارات هستند.

آنگونه که از مطالب آورده شده برمی آید، مفاهیم اعتباری بالمعنی الاخص که علامه آنها را اعتباری اجتماعی می نامد همان ارزش ها هستند که بیرونی و مستقل از ما نیستند بلکه ابزاری فکری است که به یاری آنها کمالات کسب می شود. هرگاه این مفاهیم اعتباری بصورت محمول در یک قضیه ظاهر شود دیگر حکم مذکور را نمی توان قضیه نامید؛ چون قضیه قابلیت صدق و کذب را دارد در حالی که حکمی که محمول آن یک مفهوم اعتباری است قابلیت صدق و کذب ندارد. بلکه ادعایی است که می توان آن را رد کرد یا پذیرفت. "علامه طباطبایی به تمایزی میان «ارزش»، «واقع»، «هست» و «باید» رسیده است. به اعتقاد وی ارزش ها مستقل از بشر نیستند و موارد طفیلی احساساتی هستند که با قوای آدمی تناسب دارد. درست برخلاف ادراکات حقیقی که مستقل از بشر می باشند" (حسنی، ۱۳۸۳: ۲۰۳-۲۰۲). پس ارزش ها مفاهیم اعتباری بوده که در نظریه ادراکات اعتباری مکتب رئالیسم اسلامی علامه مورد بررسی قرار داده می شود. نسبی بودن ارزش ها در روش فلسفی رئالیسم اسلامی علامه و خاصه در نظریه ادراکات اعتباری وی را می توان از جمله نکات مهم در این میان نامید. با توجه به استدلال های آورده شده از منابع گوناگون، ارزش ها تحت لوای مفاهیم اعتباری بالمعنی الاخص (اعتباری اجتماعی) مطرح می شوند. اقسام اعتباریات در آن ورود به حوزه های تخصصی و کاربردی تر، در قالب مبانی آن حزه تعبیر می شوند و استنتاج ارزش های شهر اسلامی- ایرانی، با تبیین مبانی مطالعه شهر از منظر این نظریه به منصفه ظهور می رسد. از این روی، در ادامه با توجه به اقسام اعتباریات به استنتاج مبانی مطالعه شهر از منظر نظریه ادراکات اعتباری پرداخته شده است که بابتی در جهت دستیابی به ارزش های شهر اسلامی- ایرانی می باشد.

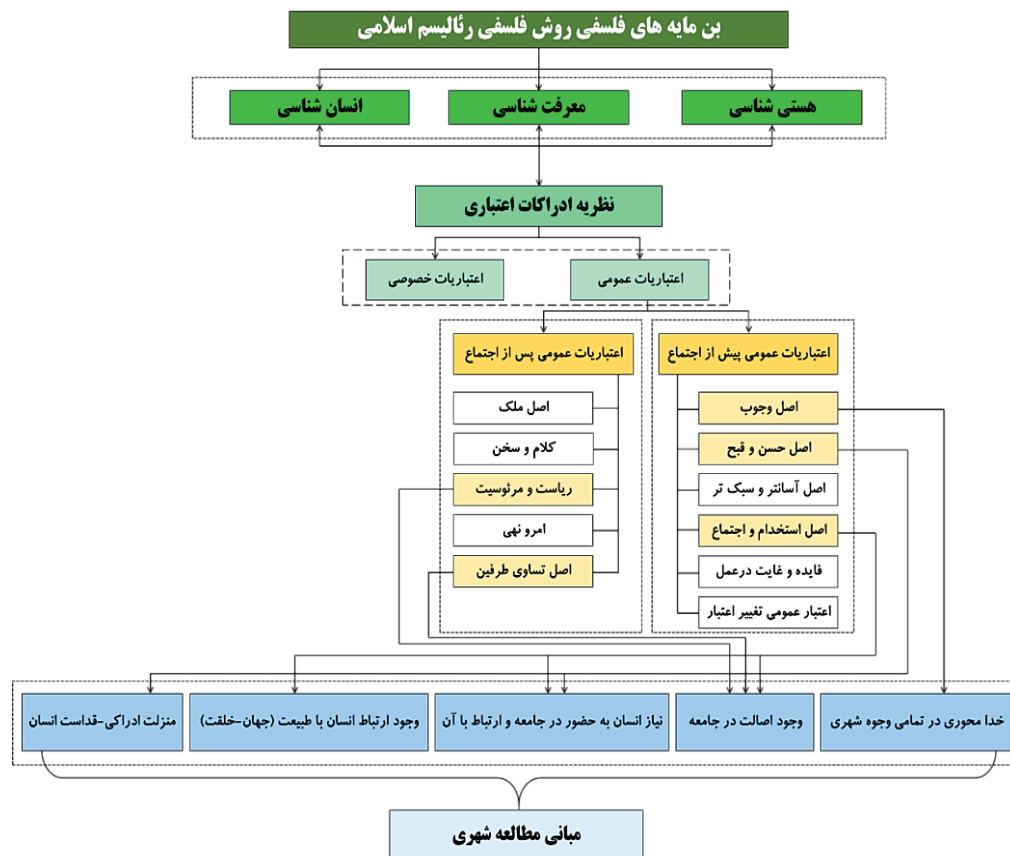
مبانی و مصادیق مطالعه شهر براساس نظریه ادراکات اعتباری: با توجه به مطالب آورده شده پیرامون نظریه ادراکات اعتباری، مبانی مطالعه شهر و مصادیق شهری اقسام اعتباریات و با نگاهی به بن مایه های فلسفی تدقیق شده مطالعه و بررسی شده است. دلیل دیگر استفاده از نظریه ادراکات اعتباری در تبیین و تدقیق مبانی مطالعه شهری، اهمیت ویژه در موضوع مطالعه و شناخت شهری است که این مهم در قالب نظریه های منتج از شناخت و معرفت شناسی مهیا می گردد؛ نظیر نظریه ادراکات اعتباری علامه طباطبایی که برخاسته از معرفت شناسی روش فلسفی رئالیسم اسلامی در راستای شناخت اندیشه اسلامی می باشد. اقسام اعتباریات عمومی در نظریه ادراکات اعتباری بر دو دسته شامل: اعتباریات پیش از اجتماع و اعتباریات پس از اجتماع بوده است. هر قسم از اعتباریات عمومی خود مشتمل بر گونه های مختلفی است. اقسام اعتباریات پیش از اجتماع شامل "اصل وجوب، اصل حسن و قبح، اصل آسان تر و سبک تر، اصل استخدام و اجتماع، اصل فایده و غایت در عمل و اصل اعتبار عمومی تغییر اعتبار" و اقسام اعتباریات پس از اجتماع نیز شامل "اصل ملک، اصل کلام- سخن، اصل ریاست و مرئوسیت، اصل امر و نهی و اصل تساوی طرفین" می باشد.

در پژوهش حاضر با تاکید بر این مهم که شناخت منتج از معرفت شناسی در روش فلسفی واقع گرایی اسلامی بوده و نظریه شناختی این حوزه، نظریه ادراکات اعتباری علامه طباطبایی می باشد؛ با بهره گیری از اقسام اعتباریات، به ارائه مبانی مطالعه شهری در راستای استنتاج ارزش های شهر ایرانی- اسلامی پرداخته شده است. از میان ۱۱ قسم از اعتباریات، برخی از آن ها در تبیین مبانی مطالعه شهری استفاده نشده است و این امر به دلیل همپوشانی برخی از گونه های اعتباریات با یکدیگر است.

مهمترین و کلیدی ترین محور در شهر ایرانی- اسلامی خدا محوری و توجه به خداوند است که این اصل جز حقایق بوده و اما در تبیین مبانی مطالعه شهری و مطالعات شهری می بایست مورد توجه و تاکید قرار داده شود. همانطور که گفته شده: "برترین حقیقت ماوراء طبیعی خداست و او در راس یا کانون تمام هستی قرار دارد" (باقری، ۱۳۸۲). بعبارتی دیگر توجه به خداوند در تمامی وجوه و لایه های زندگی انسان جاری و ساری است. شهر و شهرسازی و اجتماعات شهری نیز از این قاعده مستثنی نبوده و توجه به خداوند یکتا در تمامی امور شهرهایی ایرانی- اسلامی لازم و ضروریست. از این روی می توان گفت اولین مصداق شهری و مبانی مطالعه شهر توجه به خداوند و خدا محوری در تمامی جنبه ها و وجوه شهری است. می توان این مصداق شهری نیز در ارتباط با اصل وجوب نیز دانست.

یکی از مهمترین اقسام اعتباریات عمومی پیش از اجتماع اصل استخدام و اجتماع می باشد که کاربرد بسیاری در علوم انسانی را داراست. "علامه خود این اصل را بنیادی ترین اعتبار معرفی نموده و سه نتیجه مهم از این اصل را ارائه می کند: «الف) انسان مدنی الطبع به معنای

ضرورت زندگی جمعی (و نه فطرتا) است؛ ب) اساس استبداد و استثمار استخدام یک طرفه است؛ ج) تمام نظام عادلانه اجتماعی و اهتمام به قانونگذاری منشا در استخدام متقابل دارد» (پورحسن، ۱۳۹۲: ۵۵) و (طباطبایی، ۱۳۷۵: ۱۷۶). از اصل استخدام و نتایج منتج از آن در قالب مباحث شهری و شناخت شهر محوریتی نظیر تمایل و نیاز انسان به حضور در جامعه را مطرح می کند. به نظر علامه «اجتماعی بودن انسان، از مطالبی است که اثبات آن، احتیاج به بحث زیادی ندارد، چه آنکه خاصه اجتماعی بودن از فطریات هر فرد است، تاریخ و همچنین آثار باستانی ای که از قرون و اعصار گذشته حکایت می کند، چنین نشان می دهد که انسان همیشه در اجتماع و به طور دسته جمعی زندگی می کرده.» (طباطبایی، ۱۳۶۳: ج ۴: ۱۵۷ و نیز همان ج ۱: ۴۷۳-۴۷۲). از طرفی دیگر می توان به این مهم نیز اشاره نمود که دلالت نیاز انسان به حضور در جامعه علامه بر ارتباط قوی با اصل استخدام و اجتماع، قسم اعتباری پس از اجتماع با عنوان فایده و غایت در عمل نیز می تواند ارتباط داشته و در تعامل باشد. این مهم نیز نحوه ارتباط گیری در جامعه شهری را تبیین و تدقیق می نماید.



شکل ۳- مبانی و مصادیق شهر براساس نظریه ادراکات اعتباری علامه طباطبایی، مأخذ: نگارندگان، برگرفته از آیشم و همکاران، ۱۴۰۰: ۶۰

از دیگر محوریت هایی که از اصل استخدام و اجتماع می توان دریافت، تمایل به ارتباط با پیرامون خاصه جهان و محیط پیرامون است به سبب ویژگی مدنی بالطبع بودن انسان. این مهم می تواند تمایل انسان به ارتباط با طبیعت را نیز عنوان نموده و پوشش دهد. همانگونه که ارتباط انسان به صورت ارتباط با خالق و مخلوق (انسان و خلقت (طبیعت)) ذکر می شود. مصداق دیگری که با اصل استخدام و اجتماع می توان درخصوص مطالعات شناخت شهری مطرح کرد، موضوع اصالت در جامعه است. وجود کثرت در جوامع انسانی در عین وحدت، نشان می دهد که در نهایت همه امور به وحدت بازمی گردد. وحدتی که کثرت ها به آن رجعت می یابند اصیل می باشد و این امر را می توان به منزله وجود اصالت در جامعه نیز نسبت داد. به تبع آن جوامع و شهرها و جوامع انسانی واجد اصالت قلمداد می شوند. اصالت در جامعه در عین اینکه از طریق اصل استخدام و اجتماع بررسی می شود، از طرفی دیگر با دو قسم از اعتباریات پس از اجتماع نیز در ارتباط می باشد؛ اصل ریاست و مروت و اصل تساوی طرفین که از مجموع این سه اصل می توان دلالت وجود اصالت در جامعه شهری را در قالب ارزش های شهر ایرانی- اسلامی بسط داد. از دیگر اقسام اعتباریات پیش از اجتماع "اصل حسن و قبح" است. با توجه به تعاریف آروده شده در رابطه با این اصل می توان به صورت کلی این اصل و این قسم اعتباری را بیشتر در موضوعات انسان شناختی در محیط شهری دخیل دانست. علامه

طباطبایی بیان می کند انسان نه تنها توانایی ادراک امور حقیقی را دارد؛ بلکه بر پایه آن علوم حقیقی که تمثیل خارجی دارند را شکل می دهد. در نتیجه می توان انسان را موجودی دارای قدرت ادراک نامید که اعتبار ساز و اعتبار بخش است. بنابراین می توان گفت انسان قدرت تمییز و تشخیص و ادراک مفاهیم را داراست. پس منزلت ادراکی انسان مبانی شهرشناختی دیگر در این مکتب و روش فلسفی است که در مطالعات این علوم واجد جایگاه ویژه ای است.

از نظر علامه طباطبایی، انسان مرکب از جسم و روح است و حقیقت انسان به روح اوست که نوعی خاص از خلقت و از عالم امر است. به عبارتی این موضوع قداست روح انسان را مجددا یادآور می شود. اهمیت توجه به انسان در جوامع و توجه به روح وی، را می توان از این طریق بیان نمود. این دلالت شهری نیز همانند منزلت ادراکی انسان در ارتباط با "اصل حسن و قبح" و وجود قدرت تمییز و ادراک در انسان است. بنابراین چنین می توان بیان نمود که منزلت قداست انسان نیز از جمله این مصادیق می باشد که به مراتب مورد تاکید و توجه قرار گرفته است. بنابراین مبانی مطالعه شهر بر پایه نظریه ادراکات اعتباری (برخاسته از معرفت شناسی روش فلسفی رئالیسم اسلامی علامه طباطبایی) و اقسام اعتباریات عمومی آن شامل شکل زیر می باشد. در این تصویر چگونگی تدقیق و تبیین این مهم در فرآیند نیز آورده شده است.

با استفاده از این مبانی نیز در راه استنتاج ارزش های شهر ایرانی- اسلامی قدم برداشته خواهد شد. پیش از این امر بررسی خود مفهوم ارزش ها و ارزش های معماری و شهری نیز ضروری به نظر می رسد. در همین راستا در ادامه به بررسی ارزش ها و ارزش های معماری و شهری در حالت کلی و عام پرداخته شده و سپس با بهره گیری از مبانی مطالعه شهر منتج از نظریه ادراکات اعتباری علامه طباطبایی، ارزش های شهر ایرانی- اسلامی استنتاج خواهد شد.

ارزش های شهر ایرانی- اسلامی: در تعریف لغوی ارزش می توان گفت: «هر آنچه که برای شخص یا گروهی مفید و تحسین کردنی است» (صانعی، ۱۳۷۲). در واقع می توان گفت ارزش از بنیادی ترین عوامل در تبیین اندیشه و اعمال فرد و نیز شکل گیری حیات اجتماعی است. ارزش ها معیارهایی هستند که به فرهنگ جامعه معنا می دهند (نیک گهر، ۱۳۶۹). در لغت نامه دهخدا ارزش به معنای قیمت، بها، شایستگی، استحقاق و اعتبار آورده شده است. ارزش از واژه های مبهم و پیچیده ای است که از گذشته همواره در ذهن فیلسوفان و محققین به عناوین مختلف بوده است و شناخت ارزش های فرهنگ و تمدن هر جامعه و مجتمع زیستی زمینه های مناسب برای رشد و توسعه های فکری، ذاتی و عقلی آن فراهم می نماید.

واژه ارزش در مطالعات معماری و شهرسازی، اولین بار در مقاله ای با عنوان "میراث معماری و شهرسازی و پارادایم مدرنیته؛ منشا و خاستگاه آن" به قلم آلويس ریگل در سال ۱۹۰۳ میلادی مطرح شد. وی در مقاله ارزش ها را دو دسته قرار می دهد: ارزش های تاریخی و ارزش های هنری. ریگل واژه ارزش های میراث معماری و شهرسازی را در ابتدا با عنوان ارزش تاریخی بعد از رنسانس مطرح نمود و منظور از این واژه در واقع وجود یک بستری تاریخی در گذر زمان که یکسری مفاهیم توسعه را برای نسل های بعدی به ارمغان می آورد، عنوان شد. به عبارتی دیگر مهمترین محوریت در مبحث ارزش ها وجود ارزش تاریخی است. وی در مقاله خود بسیاری از موضوعات وابسته به موضوع ارزش را که دوران مدرنیته دچار تغییر شده بود، را مورد نقد قرار می دهد. مهمترین نقد وی بر ارزش های هنری و دیدگاه رایج در جامعه و چگونگی تخصیص نام هنری بر شی، بنا، مجموعه و یا بافت بود. ریگل در مقاله خود اشاره می کند: "در پارادایم مدرنیته اگر بنایی زیبا (واجد ارزش هنری از دیدگاه مدرنیته) قلمداد می شد، واجد پتانسیل در جهت حفاظت بود". و در ادامه به این موضوع اشاره می کند که "شاید هنوز ما در درک همه ابعاد ارزش هنری مسلط نشده ایم و این به تاریخ ما، فرهنگ ما و درک ما از زیبایی آسیب می رساند". وی در این مقاله به نقد تفکر مدرن و تاثیر آن بر به اضمحلال رفتن میراث معماری و شهرسازی پرداخته و مطالبی را در خصوص ارزش های میراث معماری و شهرسازی و مداخله در بافت های کهن و تاریخی بیان می کند که زیربنای گسترش این رویکرد و مطرح شدن دوباره آن در مکتب پست مدرنیته تشکیل می دهد. مکتب پست مدرنیته در اواسط قرن بیستم به منصفه ظهور رسید و چشم انداز جدیدی را به حوزه معماری و شهری معرفی نمود.

همانطور که پیشتر نیز گفته شد؛ واژه ارزش و ارزش شناسی در حوزه های گوناگونی مطرح گردیده است و به تبع آن در هر حوزه تعریفی مشخص و خاص آن ارائه گردیده است و این تعاریف ناشی از نیاز هر حوزه و ضرورت پژوهش انجام گرفته می باشد. یکی از حوزه های مهمی که مفهوم ارزش در آن وارد شده است حوزه مطالعات معماری و شهرسازی می باشد. ارزش در حوزه مطالعات معماری و شهرسازی از مهمترین رویکردهای مواجه با آثار ارزشمند، بافت و مجموعه های تاریخی و کهن بر جای مانده است. دسته بندی های انجام شده از مفهوم ارزش توسط ریگل (1996A.D)، فیلدن (2003A.D)، فیلدن و یوکیلتو (۱۳۸۲)، راندال (2002A.D)، تراسبی (2000A.D)، ولز (2009A.D)، حجت (۱۳۸۰)، حناچی و پورسراجیان (۱۳۹۱)، رحیم زاده (۱۳۸۸) و نژاد ابراهیمی (۱۳۹۲) و... در مقالات و پژوهش های گوناگون نشان دهنده گستردگی این مفهوم در حوزه مطالعات معماری و شهرسازی می باشد. در جهت خوانش سریع این دسته بندی ها همه موارد در جدول زیر قرار داده شده است.

جدول ۲- دیدگاه های نظریه پردازان حوزه مطالعات معماری و شهرسازی در خصوص ارزش

افراد	ارزش ها	مفهوم و زیر ارزش ها
آیسی ریگی	ارزشهای امروزی	هنری نسبی/ تازگی/ هنری/ کاربردی
	ارزشهای یادبودی	یادبودی مورد نظر/ تاریخی/ قدمتی (Reigl, 1996A.D)
برنارد فیلین	ارزشهای احساسی (هیجانی)	اعجاب/ هویت/ تداوم/ روحانی و نمادین
	ارزش فرهنگی- تربیتی	اسنادی/ تاریخی/ باستان شناختی- قدمت- کمیایی/ زیبایی شناختی و نمادین/ معماری/ فضای شهری- محیط طبیعی- بوم شناختی/ علمی و تکنولوژی
	ارزش کاربردی	ارزش کارکردی/ ارزش اقتصادی/ ارزش اجتماعی/ ارزش آموزشی/ ارزش قومی و سیاسی (Feilden, 2003A.D)
راندال ماسون	ارزش های اجتماعی- فرهنگی	هسته اصلی ارزش های حفاظتی که به یک شی، بنا یا مکان ضمیمه شده و حفظ مفهوم آن برای مردم یا گروه های اجتماعی، در ارتباط با زیبایی، قدمت، هنر و پیوند آن با افراد یا وقایع مهم و نقش آن در وابستگی فرهنگی می باشد. ارزش تاریخی/ ارزش فرهنگی- نمادی/ ارزش اجتماعی/ ارزش روحانی- مذهبی/ ارزش زیبایی شناسی
	ارزش های اقتصادی	یکی از مهمترین راه های شناخت جامعه، ارزیابی و تصمیم گیری در مورد ارزش نسبی اشیاء، بناها و مکان ها می باشد. ارزش کاربردی/ ارزش غیر کاربردی/ ارزش موجودیت/ ارزش اختیاری/ ارزش میراثی (Randall, 2002A.D)
	ارزشهای موضوعی	ارزش تاریخی ارزش اطلاعاتی/ ارزش هنری/ ارزش یگانگی(ندرت)
Jeremy Wells	ارزش های تجربی	ارزش قدمت/ ارزش تازگی/ ارزش مکانی/ ارزش الحاقی
	ارزش های اجتماعی- فرهنگی	ارزش نمادین/ ارزش فنی/ ارزش آموزشی/ ارزش تفریحی/ ارزش مذهبی(حسی)/ ارزش کاربردی/ ارزش هویتی/ ارزش های الحاقی فرهنگی (wells, 2009A.D)
	ارزش زیباشناختی	زیبایی، چگونگی ترکیب اجزاء
David Throsby	ارزش معنوی	ادراک، روشن گری، بصیرت و درون بینی
	ارزش اجتماعی	تعاملات، هویت و احساس آن
	ارزش تاریخی	ارتباط با گذشته
	ارزش نمادین	اشیا به مثابه منابع انتقال مفاهیم و معانی (Throsby, 2000A.D)
حناچی و پورسراجیان	ارزش تاریخی	ارزش های تاریخی حاصل از فرآیند ساخت اثر/ ارزش های تاریخی تجدیدنپذیر و منحصر بفرد
	ارزش فرهنگی	ارزش اعتقادی/ ارزش هویتی/ ارزش ناشی از قدمت/ ارزش تداوم خاطرات جمعی/ ارزش وحدت در عین تنوع
	ارزش روز	ارزش اقتصادی و تجاری/ ارزش عملکردی/ ارزش مقطعی (حناچی و پورسراجیان، ۱۳۹۱.ش)
مهدی حجت	ارزش های احساسی	ارزش های زیباشناختی و نمادین، روحانی، اعجاب
	ارزش های تاریخی	ارزش های تداوم فرهنگی، هویت، قدمت و ندرت، ارزش های معمارانه، محیط شهری، محیط طبیعی
	ارزش های علمی	ارزش های بوم شناختی، ارزش های اسنادی باستان شناختی (حجت، ۱۳۸۰.ش)
محمدرضا رحیم زاده	ارزش های تاریخی	فرآیند ساخت اثر، تجدید ناپذیر و یگانه
	ارزش های فرهنگی	ارزش های اعتقادی، احساسی، هویتی
	ارزش های روز	ارزش های اعتقادی، عملکردی، مقطعی (رحیم زاده و نجفی، ۱۳۸۸.ش).
احد نژاد ابراهیمی	ارزش های با ماهیت کاربردی	ارزش های کاربردی به بررسی کالبد بناها و تصویر ذهنی متخصصان و مردم عادی و برداشت های آنان و تاریخ می پردازد
	ارزش های با ماهیت معنوی	زیرارزش: ارزش آموزشی/ ارزش گردشگری/ ارزش اقتصادی/ ارزش فنی-ساختاری/ ارزش تاریخی/ ارزش هنری
	ارزش های با ماهیت معنوی	ارزش هایی با جنبه های غیرمادی و معنوی که به شناخت انسان و ابعاد جسمانی و روحانی او می پردازد. زیرارزش: ارزش سیاسی/ ارزش اجتماعی/ ارزش عاطفی/ ارزش فرهنگی/ ارزش هویتی (نژاد ابراهیمی، ۱۳۹۲.ش).
محمدی و دیگران	اصالت / قدمت/ منحصر بفرد بودن/ ندرت/ رویداد مردم شناختی/ زیبایی شناسی (محمدی و دیگران، ۱۳۹۲).	
عباس زاده و همکاران	ارزش های تاریخی	ارزش ها با رویکرد مفهومی: کیفیت ایده / کیفیت پدیده (طرح و اجراء)
		ارزش ها با رویکرد کالبدی: اصالت در مصالح / اصالت در طرح / رابطه با بستر طبیعی و فیزیکی/ مهارت ها

افراد	ارزش ها	مفهوم و زیر ارزش ها
	ارزش های فرهنگی	ارزش های اعتقادی: ارزش دینی/ ارزش معنوی/ ارزش سنت ها/ ارزش نمادین و مذهبی
		ارزش های احساسی: اعجاب/ ارزش هنری/ ارزش زیبایی شناسی/ ندرت/ قدمت
		ارزش های هویتی: هویت اجتماعی- ملی و محلی/ هویت سکونتگاه
	ارزش های روز	ارزش علمی- آموزشی/ ارزش گردشگری/ ارزش اقتصادی/ ارزش عملکردی/ ارزش سیاسی (عباس زاده و همکاران، ۱۳۹۶: ۴).
سازمان	ارزش های احساسی- هویتی	ارزش زیباشناختی، ارزش مذهبی/حسی، ارزش اعجاب، ارزش تداوم و پیوستگی، ارزش هویتی و خاطرات جمعی
	ارزش های فرهنگی	ارزش قدمت، ارزش اصالت، ارزش هنری، ارزش یگانگی، ارزش فنی- ساختاری، ارزش نمادین، ارزش اسنادی-اطلاعاتی
	ارزش های کاربردی (روز)	ارزش علمی- آموزشی، ارزش عملکردی، ارزش گردشگری، ارزش سیاسی، ارزش اقتصادی، ارزش مقطعی (آییشم، ۱۳۹۵: ۲۳).
معماران	ارزش های نیرومند	ارزش هایی که وابستگی مستقیمی با شکل شهر دارند و می توان به گونه ای عملی به آنها دست یافت و یا در غیر این صورت به دلایل عدم موفقیت پی برد
	ارزش های آرمانی	ارزش هایی قابل بیان و ارزیابی که مرتبط با شکل شهر هستند ولی به دلیل اینکه زیاد جدی گرفته نشده اند و تنها پوشش ظاهری بوده اند، به ندرت حصول یافته اند از جمله: رفع نیاز به خدمات، تأمین عدالت و برابری، کاهش مهاجرت، تأمین رفاه و آسایش و...
	ارزش های ضعیف	اهدافی که وابستگی به شکل شهر ندارند و به ندرت تحقق می یابند و اگر هم تحقق یابند اطلاعی از آن در دسترس نیست. هدف هایی که گاه ابهام آمیز و گاه امیدوارکننده و وسوسه انگیزند، از جمله: تأمین سلامت روح، افزایش ثبات اجتماعی، افزایش حق انتخاب و تنوع، افزایش قابلیت انعطاف برای آینده و...
	ارزش های پنهانی	ارزش هایی که دارای همان قدرت هدف های اول هستند ولی کمتر به عنوان یک هدف عمده به آنها نگاه می شود از جمله: حفظ کنترل سیاسی و یا حیثیت، بسط و اشاعه فرهنگ «پیشرفته»، تسهیل فرآیند مدیریت و برنامه ریزی و...
	ارزش های فراموش شده	ارزش هایی که امروزه به کلی به فراموشی سپرده شده اند و ارتباط آنها با شکل شهر لااقل در مقیاس وسیع سیاست عمومی، مشکوک، غیرعملی و مبهم به نظر می رسد. البته لیج موافق با تئوری های خیال پردازانه که دارای معایب دیرینه ای هستند، نیست

استنتاج ارزش های شهر ایرانی- اسلامی: ارزش با عنوان انتساب اجتماعی کیفیت ها به موضوعات، تعریف می شود، بنابراین ارزش ها وابسته به جامعه آن و در طول زمان تغییر می کنند (فیلدن و یوکیلتو، ۱۳۸۲). موضوع ارزش در معماری و شهرسازی را می توان از جمله محوریت های مهم در این حوزه نامید که تاثیر بسزایی در اتخاذ تدابیر ایفا می کند. با ورود واژه ارزش به گنجینه لغات مورد استفاده در این حوزه، به تبع آن دسته بندی های گوناگونی نیز از این واژه عنوان گردید. در میان همه گونه بندی های ارزشی صورت گرفته می توان به این مهم اشاره کرد که ارزش ها در معماری و شهرسازی بطور کلی در دو حالت متصور می شوند: ارزش های ذاتی و ارزش های ابزاری. ارزش ها در مطالعات معماری و شهرسازی در واقع بیانگر رویدادهایی هستند که در بستر زمان (تاریخ)، حال حاضر و آینده بر اثر تاثیر می گذارد. این امر می تواند در بازه های زمانی مختلف گونه های متنوعی را به تصویر بکشد. آنچه در این میان واضح بوده و اشاره دوباره بر آن ضروری می باشد این امر است که گونه بندی ارزش ها بسته به هدف و نیاز پژوهش شکل می گیرد؛ به عنوان مثال در پژوهشی ارزش در دو دسته کالبدی و غیر کالبدی مطرح می شود و در پژوهشی دیگر ارزش های نظیر هویت، احساس، فرهنگ و تاریخ نیز دخالت داده می شوند.

اگرچه ارزش ها مفاهیمی نظری هستند، اما در برخی از موارد در کالبد تجسم یافته و قابل درک می شوند. میراث معماری و شهرسازی امروزین به یک باره شکل نیافته است، بلکه بر پایه اعتقادات و یک بستر فرهنگی- اجتماعی از سنت ها و باورها شکل خاصی بر خود گرفته و با فرم هایی خاص به منصه ظهور رسیده است. براساس مطالعات صورت گرفته ارزش های میراث معماری و شهرسازی در قالب ارزش های تجسم یافته در شهر در سه عنوان جای داده می شود: ارزش های فرهنگی- تاریخی، ارزش های کالبدی و ارزش های ادراک محیط پیرامون (Nejad Ebrahimi, 2015: 184).

برای شهر تعاریف و ابعاد گوناگونی بیان شده است. برخی شهر را از دیدگاه جمعیتی برخی از دیدگاه اقتصادی و عملکردهای شهری، برخی از دیدگاه کارکردهای صنعتی، علمی، سیاسی، مدیریتی و داشتن شهرداری و ... حقوق شهروندی بررسی کرده‌اند. از نظر پاتریس گدس نقشه شهر صرف خطوط منحنی یا راستی نیستند که جای فلان رودخانه یا کوه را معلوم سازد، بلکه خطوط هیروگلیف است که بشریت با آن تاریخ تمدن خود را نگاشته است. هرچه خواندن آن خطوط سخت تر باشد به همان درک معانی و مفاهیم آن بیشتر آشکار می گردد (پاکزاد، ۱۳۸۹: ۲۴۷). شهرها و میراث شهری نشانه‌هایی آشکار و کالبدی از فرهنگ جوامع هستند. به همین دلیل نمی‌توان آنها را نشانه‌هایی صرفاً کالبدی و سطحی در نظر گرفت. میراث شهری برخاسته از ارزش‌های فرهنگی-اجتماعی نهفته در بستر جامعه است. حفاظت از میراث شهری در بیشتر طرح‌های مداخلاتی براساس چهارچوب کالبدی موجود در بافت می باشد. علاوه بر این در این مداخله‌ها بیشتر هدف جابجایی امکانات جدید در ساختار قدیمی و کهن بافت‌ها بوده و توجه کمتری و عملاً هیچ توجهی به ارزش‌های ناملموس نظیر فرهنگی و اجتماع صورت نگرفته است.

دین مبین اسلام در عرصه‌های مختلف زندگی انسان دارای اصول و معیارهایی است. بلاشک این معیارها شامل موضوع برنامه‌ریزی و طراحی شهری نیز می گردد (مرتضی، ۱۳۸۷: ۷). در مطالعات مرتبط با شهرهای اسلامی، می توان در مجموع دو گروه را برای نظریه‌پردازان و صاحب نظران این حوزه در نظر گرفت، گروهی موافق این قسم از شهرها بوده و گروهی در نفی آن برآمده‌اند. پس از ورود دین اسلام به سرزمین‌های مختلف تأثیرات متنوعی را به نمایش گذاشت.

از نظر خانم لیلا علی ابراهیم، متفکر مسلمان، شهرهای اسلامی را باید از طریق قرآن و حدیث تبیین نمود. زیرا بسیاری از آیات قرآن و احادیث بزرگان دین مملو از آموزه‌ها و دستورهایی است که بر روابط اجتماعی بین افراد و نیز رابطه افراد با محیط اجتماعی تأکید کرده‌اند که به کارگیری این آموزه‌ها در تدوین نظام نامه و الگوهای رفتاری، مدل متمایزی از شهرنشینی را پیش روی ما قرار می‌دهد. به نظر وی شهر اسلامی یک نسخه عالی است که تاکنون دست‌نیافتنی بوده است. به اعتقاد ابراهیم آیات قرآن قواعد کلی نظریه را تشکیل می‌دهند و احادیث پیامبر (ص) اصول اساسی یعنی ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی شهر مسلمانان را تعیین می‌کند. مدل ابراهیم به ارائه الگوهای مدیریت توسعه یافته در مناطق مسکونی می‌پردازد. از طریق این نوع مدیریت، می‌توان به جذب مشارکت جماعت در حفاظت از فضاهای عمومی پرداخت (ربانی، ۱۳۸۵؛ بیات، ۱۳۹۳).

نقی‌زاده نیز اذعان دارد که برای ظهور شهر اسلامی، همانند ظهور هر شهری، انطباق و همپوشانی سه "فضا" یا سه عنصر، به عنوان "ارکان" آن ضرورت دارد. این سه فضا عبارتند از: فضای فکری، فضای عملی و فضای کالبدی. در حقیقت شهر اسلامی فقط کالبد نیست و علاوه بر "کالبد" دو مقوله مهم دیگر نیز در تعریف شهر اسلامی و تجلی آن ایفای نقش می‌کنند. اصلی‌ترین عنصر، انسان (یا مومن) است که البته مهمترین مقوله مربوط به او نیز وجه فکری یا به عبارتی وجه ایمانی اوست. عنصر بعدی "قوانین" حاکم بر شهر و بر همه روابطی است که بین انسانها (اعم از مدیر شهر و اهل شهر) و طبیعت و آثار انسانی حاکمند. عمل و رفتار مسلمانان (اهل شهر اعم از مدیران یا شهروندان) در این فضا شکل می‌گیرد. عنصر سوم "کالبد شهر" می‌باشد که متأثر از دو عامل دیگر به اضافه شرایط خاص محیطی، اقتصادی، فنی، علمی و هنری است (نقی‌زاده، ۱۳۸۹: ۶).

علامه طباطبایی نیز در تعریف شهر و جامعه اسلامی و ویژگی‌ها، شاخصه و ارزش‌های آن مطالب مهم و قابل توجهی را مطرح کرده است. از نظر علامه شهر و جامعه اسلامی واجد یک نظم فطری بوده و قوانینی از جنس موضوعات ثابت و متغیر بر آن سایه افکنده است. انسان نیز به مثابه یک موجود اجتماعی نیازمند زندگی در چنین شهر و جامعه اسلامی می‌باشد (طباطبایی، ۱۳۸۷). از تعاریف آورده شده توسط علامه می‌توان به این مهم نیز اشاره نمود که ارزش‌هایی نظیر ارزش اجتماعی، ارزش عدالت، ارزش باور توحیدی و وحدت به دفعات در نوشته‌های وی آمده است.

بسیم سلیم حکیم نیز در تعریف شهر اسلامی آورده است که مورفولوژی شهرهای اسلامی متأثر از دستورات و قوانین فراگیر اسلام در ابعاد اجتماعی، سیاسی و اقتصادی اسلامی است (حکیم، ۱۳۸۱). در این مباحث می‌توان به توجه ویژه بر مظاهر شهر اسلامی، ارزش اجتماعی، ارزش سیاسی، ارزش اقتصادی و ارزش باور توحیدی و وحدت اشاره نمود. نجم الدین بemat "شهر اسلامی را جامعه ای متحد و گرم قلمداد می‌کند که تفکر توحیدی و باور الهی در آن بارزترین نمود است" (بemat، ۱۳۸۷). این تعریف از جایگاه ویژه ارزش توحیدی و خدامحوری در شهر اسلامی سخن می‌گوید که بسیار مهم و کلیدی است. در جدول ۳ به صورت خلاصه، ارزش‌های شهر ایرانی-اسلامی از منظر محققان مختلف آورده شده است.

جدول ۳- دیدگاه‌های نظریه پردازان در خصوص ارزش‌های شهر ایرانی-اسلامی

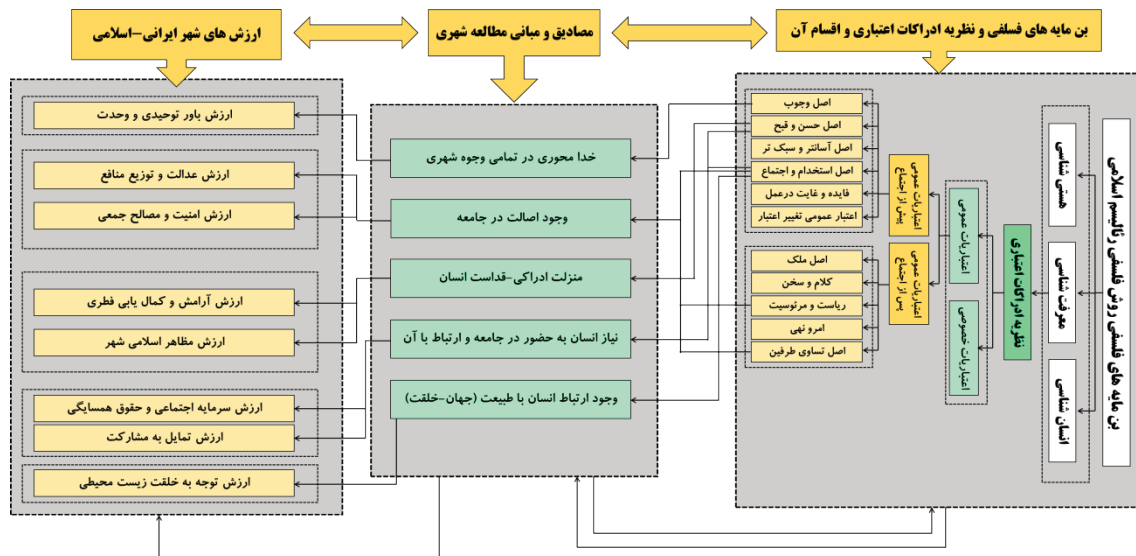
محقق / محققان	سال	عنوان تحقیق	ارزش‌های شهر ایرانی-اسلامی
مقام معظم رهبری	۱۳۷۸	سخنرانی سال ۱۳۷۸ (مختصات شهر ایرانی-اسلامی)	عدالت در تقسیم خدمات شهری، تامین آرامش روحی و امنیت معنوی، ظهور و اعتلای مظاهر اسلامی و انقلابی، عمران و آبادی و زیبایی، حفظ طبیعت و صفای معنوی
بورکهارت	۱۳۴۶	روح هنر اسلامی	عدل، شان انسانی، هویت، زیبایی، تذکر و وحدت
محمد نقی‌زاده	۱۳۸۹	تاملی در چیستی شهر اسلامی	توحید، عبودیت و عبادت، تقوی، هدایت، تفکر، عدالت، اصلاح، شکر، امنیت، احسان، میانه روی
سجاذزاده و دیگران	۱۳۹۳	ابعاد چیستی شناسی و هستی شناسی شهر اسلامی از منظر متون اسلامی	وحدت، عدالت، امنیت، محرمیت، تواضع، طبیعت‌گرایی و عدم پیروی از بیگانگان
توکل‌نیا و همکاران	۱۳۹۶	تحلیل تطبیقی رهیافت‌های مرتبط با شهر ایرانی-اسلامی	توحید، صلح و عدل، مشارکت، طبیعت، امنیت، هماهنگی و تعادل، حقوق همسایگی، قاعده لاضرار، تفکر، هدایت، مقیاس انسانی، عدم اسراف و تبذیر، تقوا، دوری از ریا، آزادی، مهمان‌نوازی، امانت‌داری و انفاق و نیکوکاری
آیثم و همکاران	۱۳۹۹	ارزش‌های شهر ایرانی-اسلامی و کلان‌روندها با تاکید بر مولفه‌های فضایی-کالبدی	ارزش باور توحیدی و وحدت، ارزش عدالت و توزیع منافع، ارزش امنیت و مصالح جمعی، ارزش تعادل در تمامی لایه‌های شهری، ارزش تمایل به مشارکت، ارزش سرمایه اجتماعی و حقوق همسایگی-شهروندی، ارزش توجه به خلقت زیست محیطی، ارزش آرامش و کمال یابی فطری، ارزش شأن انسان و ارزش مظاهر اسلامی شهر

در بخش‌های پیشین اقسام اعتباریات عمومی نیز بررسی و با توجه به آنها، مبانی و مصادیق مطالعه شهری تبیین شد. این مبانی مطالعه شهری در استنتاج ارزش‌های شهر ایرانی-اسلامی راهگشا خواهد بود. اقسام اعتباریات عمومی در نظریه ادراکات اعتباری علامه طباطبایی در دو دسته: اعتباریات عمومی پیش از اجتماع و اعتباریات عمومی پس از اجتماع قرار داده می‌شود. اعتباریات عمومی پیش از اجتماع مشتمل بر: اصل وجوب، اصل حسن و قبح، اصل آسان‌تر و سبک‌تر، اصل استخدام و اجتماع، اصل فایده و غایت در عمل و نهایتاً اصل اعتبار عمومی تغییر اعتبار؛ و اعتباریات عمومی پس از اجتماع نیز مشتمل بر: اصل ملک، اصل کلام-سخن، اصل ریاست و مرئوسیت، اصل امر و نهی و اصل تساوی طرفین می‌باشد. از کنار هم قرار گرفتن اقسام اعتباریات عمومی، مبانی مطالعه شهری استنتاج شد. این مبانی پنجگانه مطالعه شهری عبارتند از: خدامحوری در تمامی وجوه شهری، وجود اصالت در جامعه، نیاز انسان به حضور در جامعه و ارتباط با آن، وجود ارتباط انسان با طبیعت (جهان-خلقت) و منزلت ادراکی-قداست انسان. مبانی مطالعه شهری استنتاج شده از اقسام اعتباریات عمومی نظریه ادراکات اعتباری علامه طباطبایی، پایه و اساس استنتاج ارزش‌های شهر ایرانی-اسلامی می‌باشد. هر مصداق خود زمانی که در قالب و بستر شهر ایرانی-اسلامی می‌نشیند ارزش‌هایی را نمایش می‌دهد که این ارزش‌ها، ارزش‌های شهر ایرانی-اسلامی در شرایط مطلوب شهر است.

اولین مبانی و مصداق مطالعه شهری خدا محوری در تمامی وجوه شهری است. خدا محوری و خدا باوری از جمله موضوعات مهم و کلیدی است که محوریت بنیادین مکاتب و روش‌های فلسفی خاصه نظریه ادراکات اعتباری می‌باشد. زمانی که این مصداق در شهر و جامعه انسانی مطرح می‌شود، خود منشا ارزش باور توحیدی و وحدت می‌شود که اصلی‌ترین نمود در ظاهر و باطن شهر اسلامی-ایرانی است. این ارزش به معنای محور بودن خدا باوری در تمام وجوه شهری می‌باشد. وجود اصالت در جامعه نیز از دیگر مبانی و مصادیق مطالعه شهری است که در قالب شهری، جامعه را مرکب جمعی و حقیقی قلمداد می‌کند و ارزش‌هایی نظیر ارزش عدالت و توزیع منافع، ارزش امنیت و مصالح جمعی را معرفی می‌نماید. تامین عدالت و امنیت نیز از جمله مهمترین ارزش‌ها در شهر ایرانی-اسلامی است. همان‌گونه که امام علی (ع) شهری که در آن امنیت فراهم نباشد را بدترین شهرها خطاب می‌نماید.

مبانی و دلالت بعدی تمایل انسان به حضور در جامعه است. همان‌طور که در اصل استخدام و اجتماع و نتایج آن آورده شد، انسان موجود مدنی بالطبع بوده که تمایل به ارتباط با محیط و افراد پیرامون دارد. این تمایل به حضور انسان در جامعه ارزش‌هایی نظیر ارزش تمایل به مشارکت، ارزش سرمایه اجتماعی و حقوق همسایگی را مطرح می‌نماید. مصداق دیگر، تمایل انسان به تعامل با طبیعت است که این مهم نیز ارزش توجه به خلقت زیست محیطی را در میان ارزش‌های شهر ایرانی-اسلامی قرار می‌دهد. منزلت ادراکی-قداست انسان نیز جزء مبانی و مصداق مطالعه شهری براساس نظریه ادراکات اعتباری می‌باشد. این مصداق مطالعه شهری نیز در بستر شهری، ارزش‌هایی نظیر ارزش

آرامش و کمال‌یابی فطری و ارزش مظاهر اسلامی شهر را ارائه می‌کند. منظور از مظاهر اسلامی در شهر در واقع نموده‌ها و مصادیق در کالبد و فضای شهر است. که هر لحظه انسان را به یادآوری و تذکر سوق می‌دهد. این ارزش‌ها در قالب هشت ارزش شهر ایرانی-اسلامی از منظر واقع‌گرایی اسلامی (نظریه ادراکات اعتباری) می‌باشد. این امر در شکل زیر نیز که فرآیند استحصال و استنتاج ارزش‌های شهر ایرانی-اسلامی را نشان می‌دهد، رعایت شده است. با توجه به اقسام اعتباریات عمومی نظریه ادراکات اعتباری، مبانی و مصادیق پنج گانه مطالعه شهری تبیین شده و ارزش‌های شهر ایرانی-اسلامی استنتاج شده است. شکل زیر دستگاه استحصال و استنتاج ارزش‌های شهر ایرانی-اسلامی را نشان می‌دهد.



شکل ۴- دستگاه استحصال و استنتاج ارزش‌های شهر ایرانی-اسلامی از منظر نظریه ادراکات اعتباری، مأخذ: نگارندگان.

این روی با توجه به مطالعات صورت گرفته بر پایه نظریه ادراکات اعتباری علامه طباطبایی و مبانی مطالعه شهری منتج از آن، ارزش‌های شهر ایرانی-اسلامی تاثیرگذار بر آینده شناختی شهرها و بافت‌های شهری را می‌توان در قالب هشت محوریت (ارزش توحیدباوری و وحدت، ارزش عدالت محوری، ارزش امنیت، ارزش مشارکت، ارزش سرمایه اجتماعی، ارزش طبیعت‌گرایی، ارزش آرامش و کمال انسان، ارزش‌های کالبدی و نمادین شهری) مطرح نمود. در ادامه پژوهش با بهره‌گیری از ارزش‌های شهر اسلامی-ایرانی استنتاج شده به بررسی نمونه موردی پرداخته شده است.

یافته‌های تحقیق

معرفی نمونه موردی: قلمرو پژوهش حاضر، بافت تاریخی شهر تبریز (محدوده حصار نجف‌قلی‌خانی) می‌باشد. "آخرین حصار تبریز، بعد از زلزله سال ۱۱۹۳ هـ.ق توسط نجف‌قلی‌خان دنبلی طراحی و احداث گردید. نجف‌قلی‌خان در این زمان از طرف احمدخان دنبلی حاکم خوی، بیگلربیگی تبریز بود. نجف‌قلی‌خان برای جلوگیری از تاراج شهر توسط اشرار که هزار گاهی به تبریز حمله‌ور می‌شدند، تصمیم گرفت حصار را با سرعت در اطراف تبریز احداث نماید" (نژاد ابراهیمی، ۱۳۹۳: ۱۰۸). در شکل زیر، محدوده حصار نجف‌قلی‌خانی در بافت تاریخی شهر تبریز نشان داده شده است. بخش اعظمی از این محدوده در منطقه هشت تبریز و قسمتی از آن نیز در منطقه ده شهر تبریز واقع شده است.

محدوده حصار نجف‌قلی‌خان در بافت تاریخی شهر تبریز، بستر شکل‌گیری تحولات و رویدادهای بی‌شماری بوده است و این رویدادها تاثیرات و دگرگونی‌های زیادی را در بافت برجای گذاشته است. امروزه محدوده حصار نجف‌قلی‌خان دربرگیرنده محله راسته کوچه، محله شهناز، محله تربیت، محله نوبر، محله خیابان، محله دوه چی و همچنین بازار تاریخی تبریز می‌باشد. در پژوهش حاضر، به آینده پژوهی جایگاه ارزش‌های شهر ایرانی در بافت‌های تاریخی خاصه بافت تاریخی شهر تبریز پرداخته شده است. در این مسیر از تحلیل‌های ساختاری با بهره‌گیری از نرم‌افزار میک مک و سناریو نویسی بهره گرفته شده است.



شکل ۵- محدوده حصار نجف قلی خانی در منطقه مرکزی شهر تبریز

بحث و یافته ها

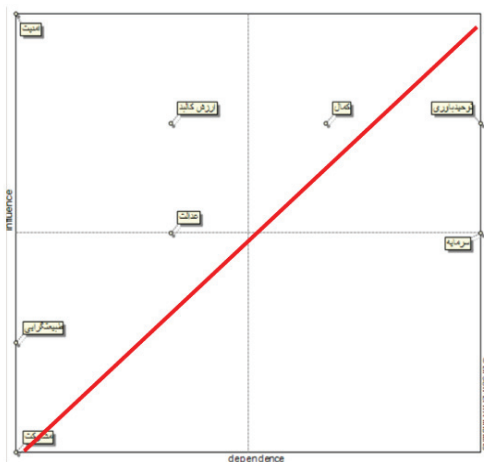
در راستای سناریو نگاری و تبیین جایگاه ارزش های شهر ایرانی- اسلامی در آینده شهرهای معاصر، انجام تحلیل ساختاری به عنوان گام اول بسیار مهم و کلیدی می باشد. از این روی با توجه به ارزش های هشت گانه شهر ایرانی- اسلامی استنتاج شده در پژوهش حاضر، به تدوین ماتریس تاثیر گذاری و تاثیر پذیری پرداخته شد. از این روی پرسشنامه ای تدوین شده و در یک پانل مشترک در میان پانزده (۱۵) نفر از خبرگان و متخصصان توزیع شد. در این پرسشنامه از محققان خواسته شد تا میزان تاثیر گذاری و تاثیر پذیری هر ارزش بر ارزش دیگر را در قالب طیف ۰-۳ امتیاز دهند. در این طیف، عدد صفر (۰) به معنای نبود ارتباط، عدد یک (۱) به معنای ارتباط و تاثیر ضعیف، عدد دو (۲) به معنای ارتباط و تاثیر متوسط و نهایتاً عدد سه (۳) به معنای ارتباط و تاثیر قوی می باشد. این مسیر برای همه ارزش های هشت گانه شهر ایرانی- اسلامی تکرار شد و میزان تاثیر گذاری و تاثیر پذیری هر ارزش بر ارزش دیگر در قالب ماتریس متقاطع تحلیل ساختاری ارائه شد. پاسخ ها و امتیازهای داده شده توسط خبرگان و متخصصان جمع بندی شده و در جهت انجام مراحل تحلیل ساختاری، وارد نرم افزار میک مک گردید.

آنچه که در ماتریس متقاطع تحلیل ساختار نشان می دهد که در مجموع ۵۶ رابطه وجود داشته که به تفکیک هشت (۸) رابطه عدد صفر (۰)، چهارده (۱۴) رابطه عدد یک (۱)، سی و چهار رابطه (۳۴) عدد دو (۲) و هشت (۸) رابطه عدد سه (۳) با درجه پرشدگی ۸۷.۵٪ می باشد. براساس جداول ماتریس جمع آوری و ارائه شده، ماتریس متقاطع با دوبار چرخش داده ای از مطلوبیت و بهینه شدگی ۱۰۰ درصد برخوردار بود که نشان دهنده روایی پرسش نامه و پاسخ های آن است.

جدول ۴- چرخش و مطلوبیت ماتریس متقاطع تحلیل ساختاری در نرم افزار میک مک

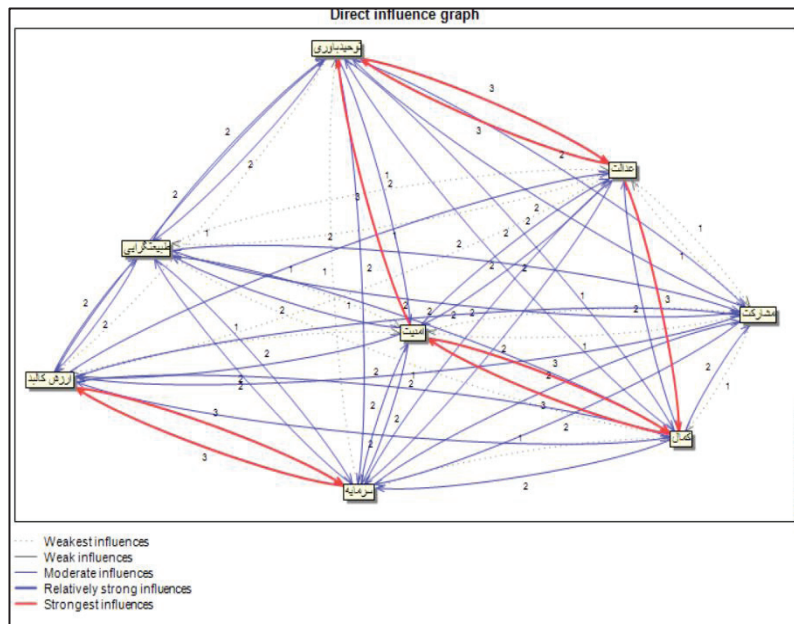
چرخش	تاثیر گذاری	تاثیر پذیری
چرخش اول	۹۳٪	۹۱٪
چرخش دوم	۱۰۰٪	۱۰۰٪

در شکل زیر پراکنش ارزش های شهر ایرانی- اسلامی در پلان تاثیر گذاری و تاثیر پذیری نشان داده است.



شکل ۶- پراکنش ارزش های شهر ایرانی- اسلامی در پلان تاثیر گذاری و تاثیر پذیری تحلیل ساختاری

یکی از مهمترین اصول در نگاشتن سناریوهای آینده پژوهی، شناسایی جایگاه و جنس متغیرها (ارزش‌ها) در گزینش راهبردهای سناریونگاری است. به عبارتی دیگر شناختن میزان تاثیرگذاری و تاثیرپذیری هر ارزش، در سناریونگاری است. تشخیص این امر در قالب نحوه قرارگیری هر ارزش در پلان تاثیرگذاری و تاثیرپذیری می باشد. این پلان دارای چهار ناحیه است. ناحیه شماره یک (بالا راست) به متغیرهای دو وجهی و راهبردی اختصاص دارد که میزان تاثیرگذاری و تاثیرپذیری بالایی است. ناحیه شماره دو (بالا چپ) مشتمل بر متغیرهای بحرانی بوده که تاثیرگذاری بالا و تاثیرپذیری کمتری دارند. ناحیه شماره سه (پایین چپ) میزان تاثیرگذاری و تاثیرپذیری کمتری داشته و نمی تواند به عنوان متغیرهای راهبردی در نگارش سناریوها مورد استفاده قرار گیرد. و نهایتاً ناحیه شماره چهار (پایین راست) به متغیرهای اختصاص دارد که به سایر متغیرها وابستگی شدید داشته و نظیر متغیرهای ناحیه شماره سه به عنوان متغیرهای راهبردی نمی توان از آنها استفاده نمود.



شکل ۷- پلان روابط و تأثیرات مستقیم در میان ارزش‌های شهر ایرانی-اسلامی در بافت تاریخی شهر تبریز

با توجه به پراکنش ارزش‌ها (متغیرها) در پلان تاثیرگذاری و تاثیرپذیری و میزان درجه پرشدگی ماتریس، می توان به ناپایداری سیستم اشاره نمود. درصد پراکندگی و حساسیت در مهمترین تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم روندها در نرم افزار، ۱۰۰٪ تنظیم شده است. به عبارتی دیگر تمامی روابط مستقیم و غیرمستقیم بین ارزش‌های شهر ایرانی-اسلامی به تفکیک در شکل ۷ آورده شده است. با توجه به تحلیل‌های ساختاری صورت گرفته در نرم افزار میک مک، از میان ارزش‌های هشت‌گانه شهر ایرانی-اسلامی، سه ارزش (توحیدباوری و وحدت، ارزش سرمایه اجتماعی و ارزش آرامش و کمال انسان) در ناحیه اول قرار گرفته که حاکی از میزان اهمیت بالای این ارزش‌ها در تدوین راهبردی‌های سناریوهای آینده بافت تاریخی شهر تبریز است. این دو ارزش در واقع به عنوان عوامل کلیدی پیشران در تدوین سناریو آینده‌های باورکردنی و محتمل مورد استفاده قرار خواهد گرفت. در جدول زیر تفکیک گونه‌های ارزشی استنتاج شده آورده شده است.

ناحیه شماره (۱) متغیرهای دو وجهی تأثیرگذاری بالا، تأثیرپذیری بالا	ناحیه شماره (۲) متغیرهای تاثیرگذار تأثیرگذاری بالا، تأثیرپذیری پایین
۱) ارزش توحیدباوری و وحدت؛ ۲) ارزش سرمایه اجتماعی؛ ۳) ارزش آرامش و کمال انسان	۱) ارزش عدالت؛ ۲) ارزش امنیت؛ ۳) ارزش کالبدی و نمادین شهری
ناحیه شماره (۴) متغیرهای وابسته تأثیرگذاری پایین، تأثیرپذیری بالا	ناحیه شماره (۳) متغیرهای مستقل تأثیرگذاری پایین، تأثیرپذیری پایین
_____	۱) ارزش طبیعت گرایی؛ ۲) ارزش مشارکت

در ادامه با توجه به گونه شناسی انجام شده از ارزش های شهر ایرانی- اسلامی، در جهت تدوین سناریوهای چهارگانه شهری گام برداشته شده است. این سناریوها در قالب سناریو اول سناریو آرمانشهری، سناریو دوم سناریو پادآرمانشهری، سناریو سوم سناریو ادامه وضع موجود و سناریو چهارم سناریو بهبود وضعیت به بررسی ارزش های شهر ایرانی اسلامی در ایند بافت تاریخی شهر تبریز پرداخته است. در این مرحله از پژوهش از یک گروه و پانل ده نفره متخصص در حوزه مطالعاتی مصاحبه های عمیق صورت گرفت تا براساس نتایج حاصله از تحلیل های ساختاری، به ارائه سناریوهای چهارگانه خود در رابطه با موضوع پژوهش بپردازند. در ادامه با توجه به مصاحبه های صورت گرفته، تحلیل های ساختاری نرم افزار میک مک کدگذاری و جمع بندی صورت گرفت و نهایتا در قالب سناریوهای چهارگانه (افق های پانزده ساله) در ادامه آورده شد.

سناریو اول: آرمانشهر ارزشمند ایرانی - اسلامی «فیروزه واقعی اسلام»: تبریز، همان فیروزه اسلام که آوازه آن امروز در جهان اسلام همواره شنیده می شود، همان شهری است که پانزده سال پیش در شرایط سردرگمی بود که در مقابل تاثیرات و تحولات بیرونی و خواست های درونی، توانایی ایجاد تعادل نداشت. اما امروزه شهر تبریز، این شهر ایرانی- اسلامی، با تمهیدات و برنامه سازی های متخصص مینا، توانست به این جایگاه ارزشمند دست پیدا کند. توجه ویژه به بافت تاریخی شهر و ارزش های نهفته در آن خاصه اتخاذ رویکردهای ارزش مبنا در تمامی تحولات و مداخلات بافت تاریخی از جمله تاثیرگذارترین مسائل در مدیریت و تصمیم سازی این شهر بوده است. بهره گیری از روش ها و تکنولوژی های نوین در کنار استفاده از توانایی ها و ایده های بی پروای جوانان نیز در موفقیت این شهر بسیار تاثیرگذار بوده است. بافت تاریخی امروز شهر تبریز مملو از رایحه ناب انسانیت است. نموده های کالبدی- کارکردی تاثیر دین و اسلام در جای جای آن به چشم می خورد و موجبات آرامش انسان و شهروندان را فراهم آورده است. سیاست های اتخاذ شده در شهر و ساختار برنامه ریزی توانسته است عدالت را به حدی نسبی برقرار ساخته و امنیت و ایمنی را در شهر و بافت تاریخی شهر متمرکز کند. توجه همسایگان به همدیگر و تمایل به حضور و مشارکت در بافت نیز از جمله دیگر نموده هایی است که در پی آموزش های شهروندی به بار نشست است. انسانیت، کمال، رشد و تعالی انسان نیز در چنین بستری مهیا می شود. چقدر دل انگیز است تماشای این تحولات و زیبایی در شهر تبریز...

سناریو دوم: پاد آرمانشهر، «زوال ارزش ها: در آرزوی فرصت نو اندیشیدن!»: فقدان شناخت کافی از شهر، بافت تاریخی و سازوکار آن و از همه مهمتر نبود متخصص دلسوز به شهر، نتیجه وضع ناامید کننده و فاجعه آمیز امروزین است. ساخت و سازهای مکرر و بی توجهی به الزامات بافت های تاریخی و مقررات وضع شده، عملا بافت تاریخی را از یکپارچگی خارج نموده و امروزه دیگر کالبد و فضایی تحت عنوان بافت تاریخی در دل شهر تبریز وجود ندارد و هسته مرکزی شبیه شهرک های مسکونی پیرامون شده است. در میان انبوه برج ها و آپارتمان ها، نمی شود به وضوح مساجد و سایر فضاهای باارزش را مشاهده نمود. به دلیل فراهم نبودن امنیت و عدالت در بین اقشار مختلف سنی و جنسی، مردم نسبت به هم حس مثبتی نداشته و بیشتر سعی در دوری از هم دارند. آنچه که امروز تحت عنوان شهر تبریز و بافت تاریخی آن مشاهده می کنیم نتیجه پانزده سال بی توجهی سیستم ها و نهاد تصمیم ساز و برنامه ریز به شهر است و این بی توجهی ناشی از متخصص نبودن این افراد است. حاصل نبود چهارچوب نگرشی صحیح با تاکید بر ارزش های شهر و بافت تاریخی، همین شهر تبریز حال ماست... کاش به پانزده سال پیش برمی گشتیم و از نو می اندیشیدیم!

سناریو سوم: سناریو ادامه وضع موجود: اگر بخواهیم دقیق تر گفته شود، با امروز می شود پانزده سال که در شهر تبریز و بافت تاریخی آن اقدامات شاخص و ضابطه مندی صورت نگرفته است. و این امر ناشی از عدم تغییر نگرش مدیران شهری است. زمانی که صحبت از بافت های تاریخی به میان می آید، رویکرد ارزش محوری و اتخاذ سیاست ها و چهارچوب های نگرش ارزش مبنا از اهمیت ویژه ای برخوردار است. در محافل علمی و تخصصی کشور و خاصه شهر تبریز بحث ارزش ها بسیار به میان آمده است اما به دلیل نبود ارتباطی قوی و اصولی بین دانشگاه و حوزه اجرا و عمل این نگرش انتقال نیافته است و شاید هم مدیران شهری نخواستند اند که انتقال یابد! تعداد کمی از آپارتمان ها و برج های ساخته شده از مقررات منصوب به بافت تاریخی پیروی کرده و اکثرا بدان بی توجه بوده اند که این امر موجب انزوا و دیده نشدن مساجد، بناهای شاخص و باارزش شهر شده است. درست است که امنیت در شهر برقرار است اما نتوانسته است انتظارات مردم را برآورده کند. فراهم شدن بستری در جهت نیل به عدالت اجتماعی میزان مشارکت اجتماعی و حضور مردم در شهر و تمایل به حفظ بافت را افزایش می دهد اما زمانی که این بستر در شهر به دلیل بی توجهی به جنبه های اجتماعی- فرهنگی در نظر گرفته نمی شود، نمی توان از مردم نیز انتظاری داشت!... توسعه کالبد مبنا در بافت تاریخی و افزایش میزان بارگذاری بیشتر در منطقه مرکزی به ویژگی های زیست محیطی شهر نیز آسیب وارد نمود است. در یک کلام می توان گفت در شهر امروز ما، بحث های مالی بیشتر از شان انسان و انسانیت ارزش دارد... جای ارزش ها عوش شده است... کاش می توانستیم ارزش های واقعی که امروز خاک می خورد را دوباره بیرون کشیده و بدان ها بازگردیم!

سناریو چهارم: سناریو بهبود وضعیت: آنچه که امروز در شهر تبریز و بافت تاریخی آن روی داده است، نتیجه اقدامات سالیان گذشته بوده که سعی شد بافت تاریخی شهر مجدداً شناسایی و ارزشگذاری شود. در این راستا برخی رویدادهای خوب در کنار اتفاقات ناخوشایند روی داده اما در هر صورت سو به آینده و پیشرفت دارد. توجه به نمادها و حضور عناصر اسلامی در داخل بافت بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته و قوانینی مستحکم در راستای رعایت حرایم و ... پیش بینی شده و ملاک عمل قرار گرفته است. از سویی دیگر در جهت تقویت ارتباطات همسایگی، در جای جای محله های بافت تاریخی می توان شاهد مشارکت شهروندان و ساکنان در امور محله بود. اما حضور آپارتمان ها و رواج این شیوه از سبک زندگی همچنان پیش زمینه هر نگاهی در محدوده است. در جدول زیر با توجه به ارزش های مستخرج از مبانی پژوهش، به تفکیک به بررسی ویژگی های هر سناریو پرداخته شده است.

جدول ۵- بررسی جایگاه آینده ارزش های شهر اسلامی-ایرانی در بافت تاریخی شهر تبریز براساس سناریوهای چهارگانه شهر

سناریو اول (آرامنشهری)	سناریو دوم (پادآرامنشهری)	سناریو سوم (ادامه وضع موجود)	سناریو چهارم (بهبود وضعیت)
✓	×	✓	✓
✓	×	×	×
✓	×	✓	✓
✓	×	×	✓
✓	×	×	✓
✓	×	×	×
✓	×	×	×
✓	×	✓	✓

نتیجه گیری

شهرها به عنوان اصلی ترین دستاورد تلاش های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی انسان ها و تمدن ها محسوب می شود. "به عبارتی دیگر، شهر، غنی ترین مکانی است که در گستره اش می توان به نشانه ها و موجودیت هایی دست یافت که محتوای تجربه های انسان ها را می نمایانند" (آیشم، ۱۳۹۹: ۲۰۶). بافت های کهن و تاریخی شهرها نیز از این قاعده مستثنی نبوده و ارزش های متعددی را در گذر زمان در دل خود نهفته اند. این ارزش ها امروزه در قالب رویکردهای مختلف مداخله و بررسی بافت های تاریخی شهرها مطرح می شود و جایگاه ویژه ای را به خود اختصاص داده است. رویکرد های مبتنی بر ارزش های بافت های تاریخی در کنار این مهم، در پژوهش ها و مطالعات بسیاری نیز آورده شده و بدان توجه صورت گرفته است. از این روی در پژوهش حاضر نیز، نگرشی دیگر تحت عنوان آینده پژوهی جایگاه ارزش های بافت های تاریخی مورد بررسی قرار گرفته است. در کنار این مهم در راستای تدقیق زمینه و فرهنگ ایرانی-اسلامی، از نظریه ادراکات اعتباری علامه طباطبائی بهره گرفته شد. دلیل استفاده از این نظریه جایگاه ویژه آن در علوم شناختی بوده که این امر بر موضوع شهرسازی نیز می تواند سایه افکند. از همین روی، پژوهش حاضر بر آن است تا با بهره گیری از نظریه ادراکات اعتباری ارزش های شهر ایرانی-اسلامی را استنتاج کند.

در همین راستا در پژوهش حاضر در ابتدا به بررسی نظریه ادراکات اعتباری پرداخته شده و اقسام اعتباریات بررسی شد. بهره گیری از این نظریه در موضوعات کاربردی نظیر حوزه شهرسازی نیازمندی فیلتر و انتقال دهنده ای بوده که در قالب مبانی و مصادیق شناخت شهری تبیین شد. این مبانی متشکل از: خدا محوری در تمامی وجوه شهری، وجود اصالت در جامعه، نیاز انسان به حضور در جامعه و ارتباط با آن، وجود ارتباط انسان با طبیعت (جهان-خلقت) و منزلت ادراکی-قداست انسان می باشند. در ادامه نیز با بهره گیری از اقسام اعتباریات و مبانی شناخت شهری منتج از آن به استنتاج ارزش های شهر ایرانی-اسلامی پرداخته شد. از این روی هشت محوریت ارزش تحت عناوین: ارزش توحیدباوری و وحدت، ارزش عدالت محوری، ارزش امنیت، ارزش مشارکت، ارزش سرمایه اجتماعی، ارزش طبیعت گرایی، ارزش آرامش و کمال انسان و ارزش های کالبدی و نمادین شهری شناخته شد. در ادامه نیز با بهره گیری از تحلیل های ساختاری و سناریونگاری، نمونه موردی (حصار نجف قلی خانی در منطقه مرکزی شهر تبریز) بررسی شد. سناریو های نگاشته شده تحت عنوان سناریو های چهارگانه شهری در قالب سناریو اول آرامنشهری، سناریو دوم پادآرامنشهری، سناریو سوم ادامه وضع موجود و سناریو چهارم بهبود وضعیت می باشد. آنچه که در این میان بسیار مهم و کلیدی می باشد، بی توجهی به نبود رویکردهای ارزش مینا در میان متخصصان اجرایی سازمان و نهادهای مرتبط است.

این مهم با توجه به سناریو های ارائه شده، نشان می دهد تا که تا چه اندازه ای این بی توجهی می تواند موجب آسیب به بافت تاریخی، ارزش های و آن و نهایتا شهر تبریز وارد کند. امید است این پژوهش گامی هر چند کوچک در جهت یادآوری به متخصصان و تصمیم سازان شهری باشد تا در راستای توجه به ارزش های بافت تاریخی و شهرها قدم بردارند. ان شاء....

منابع

- آیشم، م. (۱۳۹۵). طراحی مسیر اقوام وادیان در بافت کهن شهر ارومیه با رویکرد گردشگری فرهنگی براساس طراحی ارزش مدار، پایان نامه کارشناسی ارشد طراحی شهری، استاد راهنما: آقای دکتر مرتضی میرغلامی، استاد مشاور: آقای دکتر مظفر عباس زاده، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز.
- آیشم، م. (۱۳۹۹). واکاوی تاثیرات کلان روندها بر آینده شهر ایرانی- اسلامی با رویکرد تحلیل ساختاری و سناریونگاری، نمونه موردی بافت تاریخی تبریز، نشریه فرهنگ معماری و شهرسازی اسلامی، ۵(۲): ۱۹۵-۲۰۷.
- آیشم، م. (۱۳۹۹). ارزش های شهر ایرانی- اسلامی و کلان روندها با تاکید بر مولفه های فضایی- کالبدی، رساله دکتری تخصصی شهرسازی اسلامی، اساتید راهنما: آقای دکتر مرتضی میرغلامی و آقای دکتر احد نژاد ابراهیمی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز.
- آیشم، م.، میرغلامی، م.، نژاد ابراهیمی، ا. (۱۴۰۰). بازشناسی ارزش های شهر ایرانی- اسلامی از منظر نظریه ادراکات اعتباری علامه طباطبایی، نشریه مدیریت شهری و روستایی، ۲۰(۶۲): ۷۰-۵۳.
- باقری، خ. (۱۳۸۲). درآمدی بر فلسفه آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه نوآوری های آموزشی، ۴: ۴۸-۹.
- بورکهارت، ت. (۱۳۴۶). روح هنر اسلامی، ترجمه حسین نصر، هنر و مردم، شماره ۵۵، بهار.
- بیات، ع. (۱۳۸۱). فرهنگ واژه ها، قم، موسسه اندیشه و فرهنگ دینی، چاپ اول.
- پورحسن، ق. (۱۳۹۲). اعتباریات اجتماعی و نتایج معرفتی آن؛ بازخوانی دیدگاه علامه طباطبایی، نشریه حکمت و فلسفه، ۹(۱۴): ۷۰-۴۷.
- توکلی نیا، ج.، محمدیان، ح.، ضرغامی، س.، رستمی، ق. (۱۳۹۵). تقابل شهر ایرانی- اسلامی با چالش های شهری هزاره سوم، نشریه مطالعات شهر ایرانی- اسلامی، ۷(۲۵).
- حجت، م. (۱۳۸۱). میراث فرهنگی در ایران سیاست ها برای یک کشور اسلامی. انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور (معاونت معرفی و آموزش).
- حناچی، پ.، پورسراجیان، م. (۱۳۹۱). احیای بافت تاریخی با رویکرد مشارکت. تهران: دانشگاه تهران.
- رحیم زاده، م.، نجفی، م. (۱۳۸۸). جایگاه درک ارزش های ماهوی اثر تاریخی در روند احیای آن، نخستین همایش ملی شناخت و معرفی مزیت ها و ظرفیت های احیا و بهره برداری از اماکن تاریخی و فرهنگی، تهران.
- سجادزاده، ح.، موسوی، ا. (۱۳۹۳). ابعاد چرستی شناسی و هستی شناسی شهر اسلامی از منظر متون اسلامی، نشریه مطالعات شهر ایرانی- اسلامی، ۱۶: ۱۸-۵.
- صانعی، پ. (۱۳۷۲). جامعه شناسی ارزش ها، تهران: گنج دانش.
- طباطبایی، م. (۱۳۸۷). اصول فلسفه و روش رئالیسم، به کوشش سیدهادی خسروی، قم: انتشارات بوستان کتاب.
- طباطبایی، م. (۱۳۵۰). اصول فلسفه و روش رئالیسم، مقدمه و پاورقی مطهری، جلد دوم، چاپ اول، قم: دارالعلم.
- طباطبایی، م.، مطهری، م. (۱۳۶۸). اصول فلسفه جلد دوم، انتشارات صدرا: تهران.
- طباطبایی، م. (۱۳۷۵). ترجمه و تفسیر المیزان، محمد باقر موسوی همدانی، جلد سوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طباطبایی، م. (بی تا). اصول فلسفه و روش رئالیسم، مقدمه و پاورقی مطهری، شرکت سهامی عام، بی جا.
- عباس زاده، م.، محمد مرادی، ا.، امیرکبیریان، آ.، آیشم، م.، سلطان احمدی، ا. (۱۳۹۶). ارائه مدل ارزش مینا به جهت کاربری ارزش های میراث معماری در اتخاذ شیوه های حفاظت، نشریه مرمت و معماری ایران، ۸(۱۶): ۱۴۲-۱۲۵.
- فیلدن، ب.، یوکیلتو، ی. (۱۳۸۲). ارزش گذاری به منظور حفاظت، ترجمه بهرام معلمی، مجله هفت شهر، ۴ (۱۲-۱۳).

- محمدی، م.، محمدی، م.، خواجه پور، م. (۱۳۹۲). بازشناسی و حفاظت ارزش های موجود در اثر تاریخی «قبه سبز» کرمان، نشریه شهر ایرانی اسلامی، ۱۲: ۷۹-۸۸.
- مرتضی، ه. (۱۳۸۷). اصول سنتی ساخت و ساز در اسلام، ترجمه ابوالفضل مشکینی و کیومرث حبیبی، تهران: انتشارات مرکز مطالعاتی تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
- مصلح، ع. (۱۳۹۲). ادراکات اعتباری علامه طباطبایی و فلسفه فرهنگ، تهران: موسسه فرهنگی فرهنگی پگاه روزگار نو.
- نژاد ابراهیمی، ه.، پور جعفر، م.، انصاری، م.، حناچی، پ. (۱۳۹۲). ارزش و ارتباط آن با رویکرد مداخله در آثار فرهنگی-تاریخی. دوفصلنامه علمی-پژوهشی مرمت و معماری ایران ۶(۳): ۷۹-۹۸.
- نژاد ابراهیمی، احد. (۱۳۹۳). حصار نجف قلی خان و شکل گیری و توسعه تبریز در عهد قاجار، نشریه بررسی های نوین تاریخی، ۱(۱): ۱۰۷-۱۲۱.
- نقی زاده، م. (۱۳۸۹). تاملی در چیستی شهر اسلامی، مطالعات شهر ایرانی-اسلامی، ۱: ۱-۱۴.
- نیک گهر، ع. (۱۳۸۳). مبانی جامعه شناسی، چ ۵، تهران: راین.
- هاشمی، حمیدرضا. (۱۳۸۷). نظریه ادراکات اعتباری و نتایج علمی و عملی آن، نشریه پژوهش های فلسفی، ۲۰۵: ۱۵۶-۱۲۵.
- Feilden, B. (2003). *Conservation of historic buildings*, Butterworths & co (publishers) Ltd, London.
- Nejad Ebrahimi, A. (2015). Effective Urban Values on conservation of historical contexts: The case of Isfahan-Iran, *Archnet-iajr*, 9(1): 181-197.
- Randall, M. (2002). Assessing Values in Conservation Planning: Methodological Issues and Choices. *Assessing the values of cultural heritage*. Page 5-30.
- Riegl, A. (1996). The modern cult of monuments: It's character and it's origin. In N. Price et al(eds), *Historical and philosophical issues in the conse rvation of cultural heritage*. Los Angeles: The Getty Conservation Institute.
- Rojas, E. (2002). Urban Heritage Conservation in Latin America and the Caribbean A Task for All Social Actors, *Inter-American Development Bank Washington, D.C. Sustainable Development Department Technical Papers Series*.
- Throsby, D. (2000). Economic and cultural value in the work of creative artists. In Marta de la Torre et.al (editor): *Values and heritage conservation* (p31-26). Los Angeles: Getty conservation institute.
- Wells, J. (2009). Historic Preservation Challenges to Collaboration with Other Disciplines, *The Ethical Design od places*.

Recognizing the future of the Iranian-Islamic city values through structural analysis and scenario planning; Case study of the historical context of Tabriz

Masoumeh Ayashm, Ph.D. of Islamic Urbanism and University Lecturer, Tabriz Islamic Art university, Tabriz, Iran. (m.ayashm@tabriziau.ac.ir)

Morteza Mirgholami, Associate Professor, Tabriz Islamic Art university, Tabriz, Iran.

Ahad Nejad Ebrahimi, Professor, Tabriz Islamic Art university, Tabriz, Iran.

Received: 2021/10/2

Accepted: 2022/2/8

Extended abstract

Introduction: Value and recognition of values are influential topics that have entered various fields of knowledge and have brought many changes. The field of urban studies and urban planning is no exception to this rule, and the discussion of urban values in city interventions, especially the central and historical contexts of cities.

Methodology: The present study has also identified the values of the Iranian-Islamic city in a qualitative-quantitative (combined) way to study the place of values in the contemporary city. According to the purpose, the research method is descriptive-analytical. The logical reasoning approach (cultural-discourse) and the structural analysis approach are combined, using library and documentary studies and a questionnaire to use structural analysis and scenario writing. The case study's structural analysis section should form a cross-matrix of effects (impact and effectiveness) before presenting the four urban scenarios. Therefore, fifteen (15) experts developed and distributed a questionnaire. Mick Mac structural analysis software collects the answers. After presenting structural analyzes and determining the gender of each value regarding the impact and effectiveness in the historical context of Tabriz, urban scenarios were written.

Results: The inference of the values of the Islamic-Iranian city is based on the theory of derivative perceptions of Allameh Tabatabaei. According to the studies, the values of the Islamic-Iranian city were explained in the form of eight (8) axes. Then using the structural analysis technique, the type of impact and the effectiveness of the values in the city's future were determined. Then, the values of the Islamic-Iranian city were analyzed in the form of four future urban scenarios. The orientation of the current situation scenario in the historical context of Tabriz toward the pessimistic scenario, shows the need for a serious review of urban intervention policies and historical contexts.

Conclusion: Ignorance of urban values in the city project, and insistence on previous routine approaches, inflict irreparable damage on the historical fabric of Tabriz. Therefore, accurate identification and exceptional attention to the values of the Islamic-Iranian city and value-based approaches lead to a change in the attitude of the urban management system. This conscious view provides a favorable context for the city's excellence and man.

Keywords: Value, Iranian-Islamic City, derivative perceptions theory, Structural Analysis, Scenario Planning